

ملا عمر جاهل، بازیچه دست امریکا و پاکستان بود!

دو دهه تمام مردم نگونبخت ما با فرمان‌های صادرشده از آدرس یک فرد جاهل، جانی و مجهول‌الهویه به نام ملا محمد عمر، خونریزی و تباهی و دردهای جانکاه را تجربه کردند. ملا عمر نماد وطنفروشی و جهالت و بربریت بود و «تحریک» طالبان نیز منحيث خونخوارترین، ضدانسانی‌ترین و ضدزن‌ترین گروه در تاریخ کشور ما ثبت گردید.

دیگر راز رسواییست که ملا عمر و گروهش از پروژه‌های ساخته و پرداخته امریکا و انگلستان بود که از طریق پاکستان به آن سروسامان دادند. ملا عمر به‌مثابه «ملای لنگ» عصر کنونی، یک گدی‌گک بی‌اراده در دست دستگاه شیطانی آی‌اس‌آی بود که سال‌ها او را در خانه‌های امن در کوئته و کراچی در چنگ شان اسیر نگاه‌داشتند، ولی در رسانه‌ها تحت نام «امیر المومنین» با امضای او اعلامیه صادر کرده و وحشت آفریدند. روزی که تاریخ استفاده این دلقک به پایان رسید، مرگ مرموز و ذلتبارش از سوی بادارانش اعلان گردید.

طالبان با زنجیر بردگی بیگانگان بر گردن، همسان همفکران تنظیمی شان، افغانستان را به فقه‌قرا برد، باشندگان را غرق ماتم و نگونبختی ساختند. طالبان محصول سیاست‌های استعماری امریکا در جریان «جنگ سرد» بودند و کاخ سفید هرچند در ظاهر با آنان درگیر جنگ بود، اما برای اشغال افغانستان و جابجایی پایگاه‌های نظامی در کشور ما بیشترین سود را از این غلامانش برد. بی‌مناسب نبود که جو بایدن، معاون اوپاما، رسماً اعلان کرد که «طالبان دشمن ما نیست». به همین دلیل، طی ۱۵ سال گذشته با حضور ده‌ها هزار نیروی اشغالگر در وطن ما، نه‌تنها این جانیان ریشه‌کن نشدند که روز تا روز قدرتمندتر شده، حتا تعدادی از رهبران آدم‌خوار شان در دولت پوشالی کابل جابه‌جا گردیدند.

طالبان برای مرگ امیر شان سه روز عزای عمومی اعلان کردند، اما سر به نیست‌شدن لاشه‌های گندیده‌ای چون ملا عمر، جلال‌الدین حقانی و تمامی شرکای جرم و برادران ایدیولوژیک تنظیمی شان، برای مردم ما نه عزا که روز ابراز خشم و انزجار همراه با جشن و سرور است. در مرگ جلادان غداری چون ملا عمر فقط افراد پلیدی نظیر وحید مژده، روستار تره‌کی، اسحق نگارگر، نبی مصداق، کرزی و دیگران شاید عزادار باشند، اما نه مردمی که انتحار و انفجار و اختطاف و انواع وحشیگری‌های طالبان هستی شان را زجرناک و شکنجه‌بار ساخته‌است.

تغییر چهره‌ها در رهبری یک نیروی با تمام تاروپود وابسته و ماورای مرتجع هیچ اثری بر ماهیت آن و اوضاع افغانستان نخواهد داشت. اما جلو تضادهای درونی اینان را صاحبان خارجی شان هم نمی‌توانند بگیرند، بناً به زودی شاهد شکم‌دریدن‌ها در رده رهبری طالبان خواهیم بود. اگر ده‌ها ملا عمر به زباله‌دان تاریخ سپرده شوند، تا وقتی دستان پر خون و خیانت خالق و حامی شان امریکا و پاکستان از وطن ما کوتاه نشود، این مردارشدن‌ها سودی به حال ملت ما نخواهد داشت.

ملا عمر و دیگر خاینان طالبی را اگر کرزی و غنی و عبدالله و دیگر پوشالیان ارگ‌نشین هزار بار «اپوزیسیون مسلح» و «برادران ناراض» نامیده ناز دهند، اما تنها به‌خاطر ویرانی مجسمه‌های بودای بامیان هم که شده اینان را مردم ما و تاریخ هرگز نخواهند بخشید. گذشته از آن تک تک رهبران طالب چون ملا اختر منصور، عبدالقیوم ذاکر، منصور دادالله، ملا عبدالمنان، سراج‌الدین حقانی، سید طیب آغا، وکیل احمد متوکل، ملا ضعیف، خیرالله خیرخواه، آغا جان معتصم و غیره به خاطر قتل عام یکاولنگ و مزار و زمین سوخته شمالی و ددمنشی در برابر زنان ما هزار بار منحيث جنایتکاران جنگی و خاینان ملی محکوم به اشد مجازات اند.

آن به‌اصطلاح روشنفکران و جیره‌خواران طالبان که این نیروی سیاه و قرون‌وسطایی را «جنبش ملی» وانمود می‌سازند در وهله اول پلشتی خود را به نمایش می‌گذارند. نیرویی که با هزار رشته به استخبارات پاکستان وابسته است و مادر معنوی شان بینظیر بوتو ریشه‌انگیزی و امریکایی‌شان را فاش نمود، چگونه ممکن است ذره‌ای از «ملی» بودن در خود داشته باشد؟ همین اکنون رده‌هایی از طالبان به دامن رژیم

ضدبشری «ولایت فقیه» افتیده منحیت مهره‌های کثیف دستگاه آخندی ایران در کشور مصروف قتل و کشتار اند. این باند ضدملی ارزان خود را به این و آن دولت فروخت و در جهت منافع اجانب، ضربات دردناک و کوبنده‌ای بر اقتصاد، فرهنگ، تاریخ، جامعه و سایر عرصه‌های جامعه ما وارد کرد.

زندگی برده‌وار و مرگ زبونانه ملا عمر درس عبرتی به تمامی جنایتکاران و چاکران بیگانگان است. تا وقتی اینان برای بادر مورد استفاده دارند، با تحقیر از آنان سود می‌برد، اما روزی که تاریخ مصرف شان به پایان رسید، با تحقیر و ذلت اینان را دور می‌اندازند. این سرنوشت محتوم تمامی عناصر میهنفروش و خاین است.

حکومت «وحشت ملی» در حالی با شعف و طمطراق از شروع مذاکرات صلح با طالبان سخن می‌گوید که پروژه طالب به پایان عمرش نزدیک می‌شود و ارادل طالبی بیرق سفید را به سیاه بدل می‌کنند تا تحت نام «داعش» دور دیگری از فاشیزم و ستمگری‌های شان را آغاز کنند. این «پروسه صلح» هرگز پیامد مثبت و امیدبخش برای ملت ما در قبال نخواهد داشت، جنگ و خونریزی کماکان ادامه خواهد یافت، چون امریکا و ارتش جنایتکار پاکستان هنوز هم برنامه بی‌ثبات‌سازی منطقه را با جدیت دنبال کرده، به هیچ‌صورت مشتاق صلح نیستند. این مذاکرات نیرنگی است تا تعدادی از آدم‌کشان طالبی را زیر نام «میان‌رو» تطهیر نموده، وارد دستگاه دست‌نشانده کابل سازند.

صلح واقعی فقط زمانی می‌تواند در کشور حاکم گردد که تمامی میهنفروشان طالبی، گلبدینی، تنظیمی و داعشی از وطن ما ریشه‌کن شده، دست صاحبان خارجی شان نیز از سرنوشت ما کوتاه گردد. رسیدن به این خواست بزرگ، صرفاً با اتحاد سراسری و مبارزه پیگیر، آگاهانه و مصممانه مردم ما میسر است و بس. تنها با آموختن از روحیه بلند و رزم شرافتمندانه و انقلابی زنان و مردمان قهرمان کوبانی، می‌توانیم افغانستان را از ویروس بنیادگرایی و ارتجاع و اشغال نجات بخشیم.

«حزب همبستگی افغانستان» به این باور است که امریکا و نوکران نکتایی پوش‌اش با معاملات پس پرده با طالبان زیر نام زیبای «صلح» از تشنگی مردم ما برای امنیت و ختم جنگ سوءاستفاده رذیلانه نموده، در خفا برای فروردن عمیقتر وطن ما به گرداب بدامنی و بی‌ثباتی برنامه می‌ریزند. رویدادهای جاری جهان گواه آن است که استراتژی منطقوی پنتاگون، گزینه وحشت‌آفرینی و جنگ‌افروزی را منحیت آخرین حربه برای حفظ هژمونی جهانی امریکا ترغیب می‌کند تا رقبای آسیایی‌اش را در آتش آن زمینگیر سازد. اگر در برابر این موج، متحدانه سینه سپر نکنیم، افغانستان ما روزهای سیاه‌تر و خونین‌تری را تجربه خواهد کرد.

حزب همبستگی افغانستان

۱۱ اسد ۱۳۹۴ (۲ اگست ۲۰۱۵)

info@hambastagi.org | facebook.com/hambastagi | +93 (0)700 23 15 90

www.hambastagi.org